

فصل سوم

ویژگی‌های فرهنگی استان سمنان





درس ۹ آداب و رسوم مردم استان

تاکنون از فرهنگ تعاریف متعدد و کم و بیش مشابه ارائه شده است. در یکی از تعاریف آمده است فرهنگ به نحوه و روش زندگی هر قوم و گروه که برای رفع نیازهای اساسی و نظم بخشیدن به زندگی اجتماعی خود بر می‌گزینند، گفته می‌شود. بر این اساس فرهنگ در متن زندگی انسان همیشه جریان دارد. آمیختگی فرهنگ باستانی و اسلامی در کشور عزیزمان ایران موجب غنای فرهنگی این ملت شده است. فرهنگ هر ملت دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر ملل جهان متمایز می‌کند بنابراین فرهنگ هر ملت هویت آن ملت را تشکیل می‌دهد.

با توجه به وسعت و گستردگی واژه فرهنگ در این مختصر سعی شده بخشی از آن با عنوان فرهنگ عامه یا ادبیات شفاهی مورد بررسی قرار گیرد.

فرهنگ عامه یا ادبیات شفاهی در لغت به معنای دانش توده مردم است و در اصطلاح به کلیه مفاهیمی که زندگی توده مردم را از تولد تا مرگ در بر می‌گیرد گفته می‌شود و شامل آداب و رسوم، باورها، عادات، قصه‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، مثل‌ها، چستان‌ها، لطیفه‌ها، پندارها، لالایی‌ها و ... که سینه به سینه از پدران و مادران به ما رسیده و برای همه طبقات مردم کاربرد دارد. در این درس سعی شده است تا با برخی از اشکال و ویژگی‌های فرهنگ عامه استان سمنان به اختصار آشنا شویم.

زبان و انواع گویش‌های محلی

گویش به معنای گفتار است و شکل‌گیری گویش‌ها در زبان‌های مختلف ناشی از عوامل جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی است. بنابراین گویش‌ها همیشه در حال دگرگونی بوده و موجب پیدایش شاخه‌های زبانی متعدد می‌شود که نتیجه آن پدید آمدن زبان خاص است که با زبان اولیه کاملاً متفاوت است.

زبان رسمی مردم استان سمنان مانند همه ایرانیان فارسی دری (پهلوی) است اما به لحاظ گستردگی و تحولات عوامل فوق از تعدد و تنوع گویش‌ها و لهجه‌های خاصی برخوردار است.

بیشتر بدانیم



❖ سمنان: گویش سمنانی مرتبط با زبان‌های ماد و پارت است از افراد کمی که به این گویش صحبت می‌کنند می‌توان حدس زد که بسیاری از خصوصیات زبانی ایران باستان در این گویش حفظ شده است. گویش سمنانی و لهجه‌های اطراف، به ۵ دسته تقسیم می‌شود. گویش‌ها و لهجه‌های پنج‌گانه عبارتند از سمنانی، سنگسری، شهرزادی، لاسجودی و سرخه‌ای، گویش سمنانی از همه قدیمی‌تر است. ضمناً شناختن اصول و قواعد و نیز تهیه دستور صرف و نحو کامل، دقیق و صحیح آن، کار بسیار دشواری است.

بنابراین گویش سمنانی یکی از دسته زبان‌های ایرانی شرقی است که در ادوار باستان در بخش شمال شرقی ایران رواج یافته و هم اکنون نیز در بین مردم شهر سمنان رایج است. این گویش به سبب پیشینه تاریخی، قواعد دستوری ویژه، پیچیدگی و نفوذ ناپذیری در طول قرون گذشته از دیر باز در کانون توجه برخی پژوهشگران و زبان‌شناسان بوده است.

این گویش چنان با سایر گویش‌های ایرانی تفاوت دارد که ایرانیان می‌گویند می‌توانیم بدون تحصیل و اطلاع قبلی تمام گویش‌های ایرانی، مانند مازندرانی و گیلکی و غیره را بفهمیم، اما وقتی اهل سمنان به زبان خود سخن می‌گویند مطلقاً از آن چیزی در نمی‌یابیم.

از آنجا که تلفظ کلمات در هر محله از شهر سمنان متفاوت می‌باشد بنابراین تلفظ اهالی محله اسفنجان سمنان بنا به قدمت دیرینه آن محله پایه کار آوا نوشت اصطلاحات و مثل‌ها بین محققین قرار گرفته است که تفاوت‌های تلفظی واژه‌ها ناشی از تفاوت آوایی مابین محله‌هاست.

✱ **شاهرود** : بومیان اصیل علاوه بر زبان فارسی، به گویش شاهرودی نیز صحبت می‌کنند. گویش‌های دیگر شهرستان شاهرود مربوط به گروه‌های انسانی مهاجر است. میامی، مهاجران آذری و ترک‌های منطقه کالپوش و روستای ابر به زبان ترکی سخن می‌گویند. بلوچ‌های منطقه کالپوش و کردهای منطقه پل ابریشم نیز به گویش بلوچی و کردی و بجنوردی صحبت می‌کنند، ولی به زبان فارسی آشنایی کامل دارند.

✱ **دامغان** : زبان مردم شهرستان دامغان نیز گونه‌ای از زبان اصیل فارسی است که با لهجه مردم خراسان پیوستگی دارد.

این گویش در تمامی مناطق این شهرستان یکسان تکلم نمی‌شود. الف) در مناطق شمالی شهرستان دامغان (به استثنای شهر دیباج) به دلیل هم‌جواری با استان مازندران با اندک تفاوت، مردم به لهجه مازندرانی سخن می‌گویند.

ب) روستاهای جنوبی حاشیه کویر (به استثنای روستای کوه زر) تحت تأثیر مناطق مرکزی ایران بوده و به فراوانی لغات و واژه‌های آن مناطق را در تکلم آنان می‌توان دید.

پ) زبان روستاهای شرقی دامغان نیز به گویش شاهرودی نزدیک است.

✱ **گرمسار** : زبان و لهجه محلی متداول در بین گرمساری‌ها لهجه رازی است که با اندکی تفاوت اهالی نواحی اطراف تهران، ری، شمیران و ورامین نیز به آن صحبت می‌کنند، اما ساکنان شهرها و روستاهای مناطق کوهستانی البرز با لهجه‌ای آمیخته از لهجه‌های رازی و مازندرانی سخن می‌گویند. از زبان‌های محلی دیگر شهرستان گرمسار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

ترکی که اقوام اصنانلو و پازوکی با آن صحبت می‌کنند. زبان اصنانلو شبیه ترکی زنجان و زبان اقوام پازوکی شبیه ترکی آذربایجان است. اقوام الیکایی نیز به زبان محلی مخصوص خود تکلم می‌کنند.



❖ **مهدی شهر (سنگسر):** زبان سنگسری را نیز عضوی از شاخه زبان‌های شمال غربی ایران می‌دانند که خود شاخه‌ای از زبان‌های هند و ایرانی است. دکتر معین اعتقاد داشت که لهجه سنگسری رابطه نزدیکی با لهجه لاسجودی دارد. اهالی این منطقه زبان فارسی را نیز به خوبی تکلم می‌کنند، ولی در بین خود ترجیح می‌دهند که با لهجه سنگسری صحبت کنند. لهجه مردم شهر در جزین نیز بیشتر با زبان سنگسری قرابت دارد. در نواحی شمالی شهرستان مهدی شهر مناطقی چون شهمیرزاد و روستاهای این بخش مانند (فولاد محله، چاشم و...) به دلیل مجاورت به استان مازندران با اندک تغییری به لهجه مازندرانی سخن می‌گویند.

ضرب المثل

بخش مهمی از ادبیات و فرهنگ عامیانه استان سمنان ضرب المثل است. مردم هر سرزمین از جمله این استان به طور عادت در گفت‌گویی روزمره از مثل‌های گوناگون برای رساندن آسان‌تر مقصود به مخاطب استفاده می‌کنند. پیشینیان ما نیز از هر رویداد تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و ... زندگی خویش درسی گرفته و تجربه‌ای آموختند و نتیجه آن را به صورت مثل، پند و اندرز زندگی خویش و دیگران ساخته و از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند. ضرب‌المثل‌ها؛ سخنان کوتاه، شیرین همراه با طنز و کنایه تأثیر بسیار زیادی در اذهان عموم مردم نسبت به دیگر سخن‌ها دارند. در ادبیات و فرهنگ عامیانه استان سمنان به مثل‌های بسیاری برمی‌خوریم که در اغلب گویش‌ها با کمی تغییر ادا می‌شوند که در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

بیشتر بدانیم



ضرب المثل‌ها

سمنان: لَوْ قَمَّ تَلَّ سَبَرِ مَنَکَرِ، التَّفَاتِ زِیَادِ مِکَرِ. لقمه شکم را سیر نمی‌کند ولی لطف و محبت را زیاد می‌کند. (کنایه از تأثیر یک کار کوچک در بروز مهر و محبت).

سرخه: رَگِ مَاجِنِ سِرَا خَاک، سَاکِیْنِه. خاک خانه مادر زن، سنگین است. (کنایه از ماندن داماد در خانه مادر زن).

مهدی شهر: پُولُو زِیْنِگُو، دُوشَاهُورَتُو. اول صدای زنگ پول، سپس سرکشیدن شیر توت یا انگور (کنایه از حسابگری).

شهمیرزاد: پَایِزِ شُوءِ تَه چِن خَوَار، وَشَنَا بَاهَاَرِ یَاد دَار. ای که شب‌های پاییز ته چین می‌خوری، گرسنگی فصل بهار را به یاد داشته باش. (کنایه از آینده نگری).

شاهرود: سَنَگِ سَنَگِیْنِ هِیچِ وَقْتُ اُتُوکِ پَاهِنِخُورِه. کنایه از انسان‌های باوقار و بزرگ که هرگز مورد تحقیر قرار نمی‌گیرند.

ویژگی‌های فرهنگی استان

میامی: چارقده سرم شمش (نام پارچه قدیمی که با آن روسری می‌دوختند)، دادم به نیم من کشمش، ای سال برنگردی، پارسال برنگردی. (کنایه از آرزو نکردن خاطرات نحس سال گذشته با از دست دادن متاع گرانبها دارد).

گرمسار (الیکایی): اِشترِ پوستِ خَرِ بارِ دَر. پوستِ شترِ بارِ خراست. (کنایه از تحقیر یک فرد بزرگ).
دامغان: نگه به دست ننه کن مثل ننه غریله کن. (کنایه از کسب مهارت و تجربه از بزرگترها).
آرادان: صبح زودپرست و روزی گیر. یعنی صبح زود بلند شو تا از روزی بی نصیب نشوی.

باورها

مردم استان سمنان همانند سایر نقاط ایران به برخی علائم و نشانه‌هایی که در پیرامون محیط زندگی خویش دیده باور داشته‌اند؛ چرا که این علائم و نشانه‌ها در موقعیت‌های گوناگون به نیاکان آنها الهام شده است و در طول هزاران سال از نسلی به نسل دیگر منتقل گشته و امروزه نیز به آنها باور دارند.

برای مطالعه



- در زیر به بعضی از این گونه باورها در زندگی روزمره اشاره می‌شود.
- به خارش در آمدن کف دست راست انسان، (نشانه وارد شدن پول به کیسه، دخل، جیب است.)
- پشت سر هم قرار گرفتن چند استکان و نعلبکی بدون دخالت عمدی (نشانه ورود میهمان به آن خانه است.)
- هاله یا خرمن زدن دور کره ماه (نشانه ریزش برف و باران در فصل زمستان است.)

آداب و رسوم

به طور کلی هر فرهنگی دارای دو جنبه جدا از هم است:

(الف) فرهنگ مادی: به آن بخش ملموس فرهنگ که به صورت ابزار، عناصر و اشیا گفته می‌شود، مانند سبک معماری، صنایع دستی و ...

(ب) فرهنگ غیر مادی: به آن بخش از فرهنگ که به هنر، فرهنگ معنوی، ارزش‌ها و اعتقادات مربوط می‌شود، مانند: آداب و رسوم، اعیاد، عزاداری‌ها اطلاق می‌شود.



بیشتر بدانیم



از مهم‌ترین آداب و رسوم مردم استان سمنان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

❖ آداب و رسوم مربوط به سوگواری شامل : عزاداری ماه محرم، تعزیه خوانی، روضه خوانی، دستجات عزاداری، زنجیر زنی، نخل بندان و نخل گردانی، علم بندان و علم گردانی، آتش زدن خیمه‌ها، شام غریبان، قوم بنی‌اسد، بزرگداشت رحلت حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت ائمه (ع)، ایام فاطمیه و ...

❖ آداب و رسوم مربوط به اعیاد مذهبی شامل : اعیاد فطر، قربان، غدیر، میلاد حضرت محمد (ص) و ائمه اطهار (ع)، عید مبعث، نیمه شعبان و ...



شکل ۱-۳- مراسم تعزیه خوانی ایام محرم در استان

❖ آداب و رسوم مربوط به تولد تا مرگ : چله‌بری، چله‌شویی، ختنه‌سوران و ...

❖ آداب و رسوم مربوط به تحویل سال نو شامل : خانه‌تکانی، آماده کردن سبزه، سمنو پزان، چهارشنبه‌سوری، نوروز خوانی، مراسم تحویل سال نو، دید و بازدید ایام عید، سیزده بدر و ...

❖ آداب و رسوم مربوط به ازدواج شامل : بله برون، خنچه و حنا بندان، عقدکنان، جشن عروسی، مراسم مادر زن سلام، پاتختی و ...

بازی‌های محلی استان

❖ پر کردن اوقات فراغت یکی از دلایل پرداختن به بازی‌های محلی است. در گوشه و کنار استان سمنان به اقتضای شرایط مکانی و زمانی بازی‌های محلی بین کودکان و نوجوانان و گاهی اوقات با همراهی بزرگ‌ترها با اندک تفاوت به اجرا در می‌آیند. برخی از این بازی‌ها برخلاف ورزش‌های امروزی، احتیاج به زمین یا محل خاص، اسباب

ویژگی‌های فرهنگی استان

و لوازم ورزشی مخصوص ندارند. این بازی‌ها در کوچه و خیابان، در اتاق و حیاط خانه، بین راه، مدرسه، حتی در کلاس درس و... عملی است.

از نتایج مثبت این گونه بازی‌ها می‌توان به تحرک، شادابی، همکاری و تعاون، احترام به قوانین و بزرگ‌ترها، اجتماعی شدن، تلاش در جهت کسب موفقیت اشاره کرد.

از جمله بازی‌های محلی استان سمنان می‌توان به: یه قل دو قل، تخم مرغ بازی، الک دولک، گردو بازی، هفت سنگ، قلعه گیری، پابزن بازی، کولی دادن، لی لی، گرگم به هوا و... اشاره کرد.

جلوه‌هایی از فرهنگ استان سمنان (فرهنگ مادی)

● یکی از شکل‌های فرهنگ استان سمنان، فرهنگ مادی یا ملموس است که می‌توان در سبک معماری، هنرهای سنتی و... مشاهده کرد.

● **معماری:** به ساخت بنا و پرداختن به ظاهر و نمای ساختمانی هنر معماری می‌گویند که ریشه در فرهنگ هر قوم دارد. معماری استان سمنان نیز مانند معماری ایران آمیخته‌ای از فرهنگ باستانی و اسلامی است که در هر منطقه با توجه به شرایط محیطی و مصالح نمود پیدا می‌کند. از جمله می‌توان به نوع گنبدها، طاق‌ها و نقوش به کار رفته در بناهای تاریخی استان اشاره کرد که گویای سبک خاص معماری ایرانی و اسلامی است.



شکل ۲-۳- معماری سنتی (طاق‌های آجری) در سمنان

● خانه‌های قدیمی شامل سردرب خانه‌ها، نقوش روی در و کوبه، فضاهای زیستی اندرونی و بیرونی شامل: هشتی، دهلیزها، ستون‌های چوبی و غیرچوبی، اتاق‌هایی با گچ‌بری‌ها و نقاشی‌های زیبا و پنجره‌های مشبک با شیشه‌های رنگی، طاقچه‌ها



و رف‌های کوچک، اجرای انواع سقف به صورت گنبدی، مسطح، شیب‌دار و ... می‌توان برشمرد.



شکل ۳-۳- نقوش روی در و انواع کوبه



شکل ۳-۴- فضاهای زیستی اندرونی، سازگار با محیط و بادگیر در شاهرود

بیشتر بدانیم



پوشش لباس

پوشاک مردم استان به نحوی با وضعیت آب و هوایی منطقه ارتباط دارد. امروزه لباس‌های معمول اغلب زنان و مردان این استان همان کت و شلوار، پیراهن برای مردان و چادر، مانتو و شلوار و پیراهن برای زنان است. بنابراین، مردم استان سمنان کمتر از لباس‌های محلی استفاده کرده و لباس‌های معمول روز که در همه مناطق



شکل ۵-۳- پوشش لباس زنان عشایر الیکایی در شهرستان گرمسار

ایران مورد استفاده است در این خطه از کشور نیز رواج دارد. از مهم‌ترین لباس‌های محلی مردان و زنان استان سمنان در گذشته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

لباس‌های محلی مردان شامل: سرپوش مردانه، تن‌پوش تابستانی مردانه، تن‌پوش زمستانی مردانه و پاپوش مردانه، کت چقا، شلوار کمری، گیوه و ...

لباس‌های محلی زنان شامل: چارقد، پیراهن کمر چین‌دار، شلیته، تنبان، جلیقه، اُرسی، چادر محلی و ...

جلوه‌هایی از فرهنگ استان سمنان

نمد مالی: از جمله صنایع دستی که قدمتی دیرینه در استان سمنان دارد، نمد مالی است. وضعیت فعلی تولید نمد در استان سمنان از نظر کمی و کیفی بسیار مطلوب است و مراکز تولید نمد در استان، شهرستان سمنان، دامغان و روستای ابرسیج شاهرود است. مواد اولیه مصرف شده در نمد مالی پشم است. آنچه در نمد مالی می‌توان مشاهده کرد، ذوق و هنر، به همراه تحرک تولید کننده است. تولیدات این زحمت‌کشان علاوه بر استفاده شخصی به روستاهای شمالی استان و استان مازندران ارسال می‌شود.

چاپ قلمکار: چاپ قلمکار، گونه‌ای از چاپ سنتی روی پارچه بافته شده است. برای نخستین بار، قلم‌کارسازان ایرانی برای دسترسی به تولید بیشتر و ایجاد هماهنگی و یکنواختی نقش‌ها، استفاده از مهره‌های چوبی را جایگزین استفاده از قلم مو ساخته‌اند. برای فراهم آوردن امکاناتی به منظور استفاده مردم، قلم کار را که در گذشته فقط برای روی پارچه‌های پشمی و ابریشمی انجام پذیر بود بر انواع پارچه از قبیل متقال، کتان، چلوار و کرباس انجام دادند. در حال حاضر چاپ قلمکار به وسیله قالب‌های چوبین که نقوش برجسته دارد انجام می‌شود. مهم‌ترین مرکز این صنعت، در استان در شهرستان دامغان قرار دارد که ماهانه مقادیر هنگفتی انواع رومیزی، پرده، سفره و سایر مصنوعات قلمکار تولید و برای صدور به خارج از کشور آماده می‌کند.



قالی بافی : قالی دست رنج گمنام ترین و رنجکش ترین مردمان این سرزمین است و شاید همین گمنامی سرپنجه‌های هنرمندان است که چهره افتخار ملی را بر صفحه روزگار حک کرده است.

می‌توان فرش دستباف را آینه تمام نمای افکار، احساسات، روحیات و خلق و خوی مردمی دانست که به کار تولید مشغول‌اند. قالی بافی و تولید قالی و قالیچه از دیر باز جزء تولیدات مهم استان سمنان به شمار می‌رفته است. شهرستان مهدی شهر و شاهرود از مراکز مهم تولید قالی و قالیچه در استان به شمار می‌روند.

دارهای قالی اکثراً در استان عمودی است و قالی بافان بیشتر مواد اولیه خود را از خارج از استان تأمین می‌کنند. در مناطق عشایر نشین استان از پشم گوسفندان به عنوان مواد اولیه قالی بافی استفاده می‌شود.

گلیم بافی : گلیم به عنوان نخستین زیرانداز بشر، دارای سابقه بسیار طولانی است. گلیم که در مقایسه با قالی دارای شیوه بافتی آسان‌تر است و به همان نسبت قیمت ارزان‌تری دارد، هنری در انحصار روستاییان و عشایر به حساب می‌آید. بافت گلیم خاص دختران و زنان خانه‌دار است و همین هنرمندان بی نام و بی ادعا هستند که به کمک سرپنجه‌های خویش نقوشی اعجاب انگیز می‌آفرینند. روستاهای شهرستان گرمسار، سمنان، سرخه، مهدی شهر، دامغان و شاهرود از مراکز تولید گلیم در استان به شمار می‌آیند.

سفالگری و سرامیک : سفال از

مهم‌ترین و قدیمی‌ترین دست ساخته‌های بشر است. آثار سفالی برخلاف آثار یافته شده فلزی و چوبی در زیر خاک فاسد نمی‌شود و به خاطر این ویژگی به اطلاعات گویایی درباره صنایع دستی اقوام گذشته می‌توان پی برد. صنعت سفالگری در استان سمنان از قدمت بالایی برخوردار است. به‌طوری که دکتر اریک اشمیت هنگام حفاری در اطراف دامغان امیدوار به کشف شهر افسانه‌ای هکاتوم پلیس یا شهر صد دروازه بود، اگرچه موفق به کشف بقایای شهر مورد نظرش



شکل ۳-۶ دو نمونه از صنایع دستی استان

نشد، ولی به مجموعه‌ای از بهترین فرآورده‌های صنعتگران دو تا سه هزار سال قبل از میلاد مسیح دست یافت. این فرآورده‌ها شامل کوزه‌های بزرگ با نقوش هندسی و به رنگ خاکستری و نخودی بودند. از آنجا که زمینه‌های لازم برای صنعت سفالگری در اکثر نقاط استان فراهم بوده، این صنعت با وجود فراز و نشیب‌های تاریخی، به حیات خویش ادامه داده است.

ویژگی‌های فرهنگی استان



شکل ۷-۳- نمونه‌هایی از صنایع دستی استان سمنان



دستبافت‌ها : نساجی در استان سمنان قدمت چندین هزار ساله دارد به طوری که طی حفاری‌هایی که توسط باستان‌شناسان در تپه حصار دامغان انجام گرفت «دکتر اریک اشمیت» یک میله مفرغی را کشف کرد که مخصوص تابیدن نخ‌های نازک بود و می‌تواند دلیلی بر پیشرفت صنعت بافندگی در سه هزار سال قبل از میلاد باشد. مردمان این سرزمین پارچه‌های مورد نیاز خویش را با دست‌های هنرآفرین خود تهیه می‌کردند که از نظر تنوع رنگ، نقش، طرح و شیوه‌های بافت شگفت‌انگیز بود. دستبافی شامل تولید پرده‌های سنتی، هنری، حوله، شال گردن و پارچه‌های متقال زیر ساخت قلمکار است که در استان رایج است. علاوه بر آن جاجیم، چادر شب، پلاس و چوقا (چوخا) که عمدتاً توسط روستاییان و عشایر تولید می‌شود که بخشی از صنایع دست بافت مردم استان به‌شمار می‌رود. ماهانه مقادیر قابل توجهی از این تولیدات به استان‌های دیگر ارسال می‌شود. شهرستان سمنان به‌ویژه شهرستان سرخه، شهرستان مهدی‌شهر، شهرمیرزا، فولاد محله و روستاهای شهرستان دامغان و روستاهای اطراف بسطام از مراکز تولیدات جاجیمچه و دستبافت استان به‌شمار می‌روند.

صابون پزی : صابون پزی از فنون سنتی رایج در شهرستان شاهرود است که قدمت آن به یک‌صد سال قبل باز می‌گردد. مواد اولیه در پخت صابون پیه (گوسفندی و گاوی)، تیزاب، روغن کرچک، روغن پنبه دانه و روغن کنجد است. مخلوطی از مواد فوق را به درون باتیل بزرگی می‌ریزند. این مواد موجب لطافت و کف بیشتر صابون می‌شود. پس از پخت، مقداری نمک به مواد فوق افزوده تا صابون از آب جدا شود. پس از پخت کامل صابون مایع را درون حوضچه‌های سیمانی ریخته و پس از سرد شدن آن را برش زده و در مقابل آفتاب خشک می‌کنند.

فعالیت



یکی از داستان‌ها یا افسانه‌های محل زندگی خود را به زبان محلی برای دوستانتان بازگو کنید.

فصل چهارم

پیشینه تاریخی استان سمنان

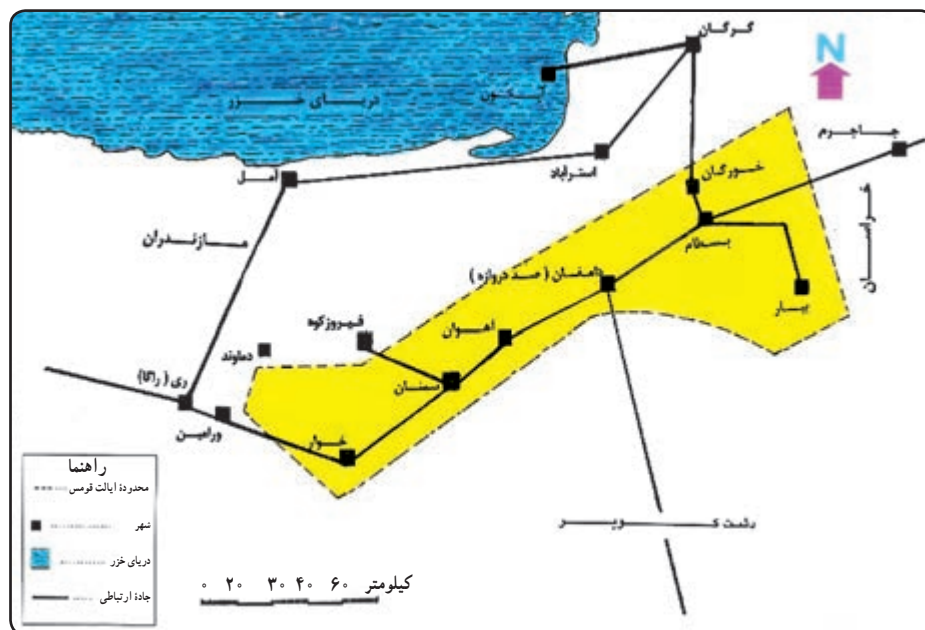




درس ۱۰ پیشینه تاریخی استان

استان سمنان پیش از تقسیمات سیاسی جدید ایالت قومن نامیده می‌شد. استاد واسیلی بارثولد، نگارنده کتاب تذکره جغرافیای تاریخی ایران بر این باور بود که ایالت کومش به پارسی، کومس و به عربی قومن همان سرزمینی است که ایزیدور خاراکی به نام «قومین» از آن یاد کرده است.

شهرهای ایالت قومن عبارت‌اند از: دامغان، بسطام، سمنان، خوار که شهر دامغان از معروف‌ترین شهر ایالت قومن به‌شمار می‌رفت و جغرافی دانان قدیم دامغان را مرکز این ایالت دانسته‌اند و از سایر شهرها آبادتر و پرجمعیت‌تر بوده است.



شکل ۱-۴- نقشه قدیم ایالت قومن

جاده ابریشم که زمانی در مسیر ۸۰۰۰ کیلومتری خود از کشور چین تا ایران و روم امتداد داشته و دنیای شرق و غرب آن روز جهان را به هم پیوند می‌داد و سراسر ایالت قومن را در بر می‌گرفت فقط منحصر به حمل کالا و مبادلات اقتصادی نبوده است؛ بلکه بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین عامل تبادل فرهنگی و انتقال ویژگی‌های شهرنشینی، سیاسی، قومی، زبانی و دینی در طول مسیر به‌شمار می‌رفته است. این جاده که شرق و غرب عالم اسلام را نیز به هم وصل می‌کرده است در زمان رونق و رواج خود در داخل ایران به نام جاده خراسان مشهور بوده است.



شکل ۲-۴- جاده سنگ فرش جهت عبور کاروان ها در جنوب گرمسار

بیشتر بدانیم



نظر به اینکه اکتشافات باستان‌شناسی به روش علمی و کامل در این استان صورت نگرفته است. بنابراین نمی‌توان به‌طور دقیق تعیین کرد که این استان از چه زمانی مسکونی بوده و یا شهر سازی و شهر نشینی از چه زمانی شروع شده و یا اینکه آریایی‌ها از چه تاریخی به این سرزمین آمده و اقامت گزیدند، ولی یافته‌های پراکنده و اطلاعات اندک نشانگر آن است که اصولاً قبل از آمدن اقوام آریایی‌ها شاخه پارتی به این ایالت و حتی از ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد بعضی از نواحی این استان تحت سکونت اقوام بومی این سرزمین‌ها بوده است و حفاری‌های محدود در برخی مناطق استان نظیر سنگ چخماق شاهرود، تپه دلازیان سمنان، تپه حصار دامغان و محوطه باستانی خرنده مهدی‌شهر این نظریه را تأیید می‌کند.

وجه تسمیه قومس بر اساس منابع تاریخی

✱ محمد حسن خان صنیع الدوله در مطلع الشمس می‌گوید: «پوشیده نباشد که شاهرود و بسطام و سمنان و دامغان همه در خاک قومس واقع شده و قومس مُعَرَّب کوه مس است چون در غالب کوهستان این ناحیه، معدن مس بوده که به این اسم معروف شده است».

✱ عبدالرفیع حقیقت در تاریخ قومس نقل می‌کند: «کومش در اول کُومه شَه بوده، چون کومه در لغت یعنی پناهگاهی ست که از چوب یا نی می‌ساختند و شکارچیان (پادشاه) برای کمین کردن شکار و زارعین برای حفاظت از زراعت خود در آن می‌نشستند».

✱ این ایالت فاقد رودهای دائمی بوده است. بنابراین مردم این نواحی برای دسترسی به آب اقدام به حفر قنات یا کاریز می‌کردند.



به همین دلیل، این ایالت به نام کومش و مردم آن، کومشی (چاه کن) نامیده می‌شدند.

✱ احتمالاً نام قومس از رشته کوه البرز گرفته شده است؛ زیرا این نام از دو کلمه (کوه + مس) تشکیل شده است. که مس در زبان بسیاری از مردم ایالت قومس به معنای بزرگ و عظیم تلقی می‌شود و مس‌ترین به معنای بزرگ‌ترین است و با توجه به اینکه رشته کوه البرز در شمال این ایالت به شکل زنجیره‌ای ممتد و کشیده با قله‌های مرتفع قرار دارد در نتیجه به این ایالت نام کوه مس دادند.

بیشتر بدانیم



قومس پیش از اسلام : منطقه قومس در دوران باستان به ویژه در روزگار هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان از جایگاه نظامی، بازرگانی و ارتباطی ویژه‌ای برخوردار بوده است.

کوروش هخامنشی پس از گشودن آسیای صغیر (ترکیه) به شرق ایران رفت و بین سال‌های ۵۳۰-۵۴۶ پیش از میلاد در آن نواحی نبرد کرد و از سوی شرق و جنوب تا رود سند تاخت و ایالت‌های بسیاری را فتح کرد. در این زمان قومس همانند پلی ایالت‌های راگا (ری)، خراسان و استرآباد (گرگان) را به هم پیوند می‌داد و مهم‌ترین راه ارتباطی موجود در زمان پادشاهی داریوش بزرگ، بوده است.

در بهار ۳۲۴ پیش از میلاد در روزگار پادشاهی داریوش سوم آخرین پادشاه هخامنشی، اسکندر مقدونی به ایران لشکر کشید و پس از نبرد ایسوس و اریل، در ۳۳۱ پیش از میلاد، شکست سختی به سپاه ایران وارد ساخت. داریوش سوم به ماد و سپس به شرق ایران رفت و به گفته آریان، تاریخ نگار یونانی، بسوس والی باختر و برازانت والی رُخج (قندهار) و زرنگ (سیستان)، داریوش را دستگیر و زخم‌های سختی به وی زدند و او را کشتند. مورخان غربی محل کشته شدن داریوش سوم را در ایالت قومس بین گرمسار تا دامغان می‌دانند.

پس از درگذشت اسکندر در سال ۳۲۳ پیش از میلاد، کشمکش‌های سختی بین جانشینان او روی داد و امپراطوری بزرگ وی را به چند بخش تقسیم کردند. فیلیپ، والی پارت شد و ایالت بابل نیز به سلوکوس، سردار سرشناس مقدونی واگذار شد، که وی بنیانگذار حکومت سلوکی در ایران شد.

سلوکیان حدود ۶۰ شهر در شرق و ایالت پارت بنا کردند. یکی از این شهرها آپاما (لاسجرد کنونی) است که در ۳۴ کیلومتری سمنان واقع شده و توسط بلاش اول (پادشاه اشکانی) بنا نهاده شد. و دیگری شهر هکاتوم پلیس (صد دروازه) یا دامغان امروزی است. این شهرها توسط حاکمان سلوکی اداره می‌شد. اشکانیان، ایالت‌های ایران را به ۱۸ بخش پهناور تقسیم کردند، که یکی از آن‌ها کُمِسن شامل نواحی سمنان و دامغان کنونی بود. پس از به روی کار آمدن حکومت ساسانی، پتیشخوارگر یکی از ایالت‌های ساسانیان بود که منطقه قومس جزو آن بوده و برخی از فرمانروایان ساسانی در آن حکمرانی می‌کردند.



شکل ۳-۴ — مرقد مطهر یحیی بن موسی بن جعفر (ع) در شهر سمنان

قومس پس از اسلام

الف) دوره اسلامی: در ۶۵۱ میلادی، ایران به دست مسلمانان افتاد و شهرهای بزرگی چون ری فتح شد. در زمان خلافت عمر مسلمانان به سمت ایالت کومس رهسپار و شهرهای سمنان، دامغان، بسطام و... را تصرف کردند.

از مهم ترین رویدادهای منطقه سمنان در زمان عباسیان، سفر حضرت امام رضا (ع) به مرو و توقف آن حضرت در سمنان است که در ۲۰۱ هجری قمری، از مدینه به بغداد آمد و از راه همدان، نهاوند، قم و ری وارد سمنان شدند. به دستور وی حضرت یحیی بن موسی بن جعفر (ع) برای ارشاد مردم، در سمنان مستقر شد که بعدها توسط مأموران حکومت عباسی به شهادت رسید و مرقد مطهر ایشان در بخش مرکزی این شهر واقع شده است.

بیشتر بدانیم



محمود غزنوی در ۳۸۸ هجری قمری به حکومت رسید و خراسان را گشود. در ۴۲۰ هجری قمری، با کمک منوچهر بن قابوس، برای فتح ایالت جبال، به سوی قومس و ری پیش روی کرد و پس از چند روز توقف در قومس و دیدار با شیخ ابوالحسن خرقانی، به ری رفت و آل بویه را برانداخت.

پس از مرگ محمود غزنوی، طغرل، نوه سلجوق در سال ۴۲۶ هجری قمری از ماوراءالنهر به خراسان یورش برد و در ۴۲۹ هجری قمری مسعود غزنوی را شکست داد و به حکومت رسید. وی پس از خراسان به طبرستان، گرگان، قومس، ری، همدان، آذربایجان و... دست یافت.

ابن اثیر می نویسد: «در این یورش سمنان، دامغان، خوار و برخی روستاهای ری تاراج شد و بسیاری از مردم نیز کشته شدند».

ایالت قومس در سده های ۶ و ۷ هجری قمری یکی از کانون های مهم اسماعیلیه بود، به طوری که در این ایالت حدود ۱۵۰ دژ در اختیار این گروه بوده است. یکی از مهم ترین دژها، دژ گرد کوه یا گنبدان کوه دامغان بوده که در پیشینه تاریخی اسماعیلیان، جایگاه ارزنده ای پیدا کرده بود. فرمانروایان آل باوند همواره در کشمکش و نبرد با آنان بودند. باوندها از اواخر دوران ساسانی حدود ۱۴۰ سال در تمامی مازندران، گیلان، ری و قومس حکمرانی کردند تا اینکه سلطان محمد خوارزم شاه در سال ۶۰۶ هجری قمری آنان را برانداخت.

ب) قومس در دوران مغولان و تیموریان: یورش مغولان در ۶۱۶ هجری قمری به ایران به منظور انتقام



گرفتن از کار ناپسند سلطان محمد خوارزم شاه به دنبال کشتار بازرگانان مغول در ۶۱۵ هجری قمری از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ ایران زمین است؛ زیرا این یورش به پایه‌ای از گرفتاری و ویرانی منجر شد که آثار شوم آن تا سده‌ها بر جای بود. لشکریان مغول جهت دنبال کردن سلطان محمد خوارزم شاه از راه دامغان و سمنان به ری رسیدند. سپاهیان مغول پس از کشتار و چپاول در دامغان به سمنان رفتند و در آنجا پیر علمدار و پیر نجم الدین دادبخش و مردم بسیاری را کشتند و به خوار و ری نیز خسارت جانی و مالی زیادی وارد آوردند. سلطان جلال الدین خوارزم شاه در ۶۲۴ هجری قمری، اسماعیلی‌ها را سرکوب کرد و مغولان را در قومس شکست داد و در سال ۶۲۸ هجری قمری کشته شد. هولاکو خان در اواخر ۶۵۳ هجری قمری، از راه بلخ و خواف به خراسان آمد و از آنجا به خرقان و بسطام رفت و سرانجام گرد کوه دامغان فتح شد و حاکم اسماعیلی قومس تسلیم شد. تیمور لنگ در ششمین یورش خود به ایران بین سال‌های ۷۹۹-۷۹۴ هجری قمری، بار دیگر ایالت‌های قومس، ری، خوزستان و نواحی خرم‌آباد، بروجرد، قزوین و سلطانیه را فتح کرد و چپاول بسیار کرد. کلاویخو، سفیر اعزامی اسپانیا به ایران که از قومس دیدن کرده بود، از کشتار تیمور یاد کرده می‌نویسد: «در بیرون دامغان به فاصله یک تیر پرتاب، دو برج دیدیم که بلندی آنها به قدر یک سنگ پرتاب بود، هر دو آنها با استخوان سر انسان ساخته شده بود». پس از تیمور، جانشینان او بر ایالت قومس حکومت کردند. قابل ذکر است در دوره ایلخانان مغول که شکل فتودالی داشته است برخی از وزرای آنها سمنانی بوده‌اند.

ج) قومس در دوران صفویان و افشاریان: در اواخر دوران تیموری ایالت قومس و فیروزکوه در دست امیرحسین

کیای چلابی بود که پس از مقاومت در برابر صفویان از آنها شکست خورد.

شاه عباس صفوی (۱۰۳۸-۹۹۶) هجری قمری که از طریق اصفهان، جندق و قومس پیاده به مشهد مسافرت کرده بود برای ایجاد ارتباط بین شهرها و آبادی‌ها در سراسر کشور، فرمان‌هایی صادر کرد. در ایالت قومس نیز به دلیل قرار گرفتن در مسیر زیارتی مشهد مقدس دستور ساخت راه‌ها، کاروانسراها، آب انبارها، پل‌ها و بناهای عام‌المنفعه بسیاری را داد.



شکل ۴-۴- نمونه‌ای از کاروانسرای شاه عباسی ایوانکی در شهرستان گرمسار

بیشتر بدانیم



در اواخر حکومت صفوی سردار نادر قلی برای نجات ایران از جمله اصفهان از دست افغان‌ها در خراسان قیام کرده و با تهماسب میرزا پس از گشودن مشهد برای رفع آشوب اشرف افغان با سپاهیان خود رهسپار اصفهان شد و در مهماندوست دامغان، سردره خوار و مورچه خورت اصفهان جنگ‌هایی رخ داد و نادر قلی پیروز شد. در دوران نادر شاه، ایالت قومس جزو قلمرو او بود و حاکمانی از سوی نادر شاه بر این ایالت گمارده می‌شدند.

(د) قومس در دوران زندیان و قاجاریان: پس از مرگ نادر شاه افشار، در سال ۱۱۷۲ هجری قمری کریم‌خان زند با عنوان وکیل الرعایا ۲۹ سال در ایران حکومت کرد. اما در این مدت ایالت قومس شامل نواحی خوار، سمنان، دامغان، شاهرود و بسطام را هم چنان در اختیار خاندان قاجار قرار داد.

پس از مرگ کریم‌خان زند در سال ۱۱۹۳ هجری قمری، آقا محمد خان از شیراز به سوی ایالت قومس حرکت کرد. در این منطقه با گرد آمدن شمار زیادی از قاجارها سرانجام توانست ایالت قومس و ایالت‌های جنوبی دریای خزر را به دست آورد.

پس از آقا محمد خان، برادر زاده‌اش فتحعلی شاه به پادشاهی رسید. وی به منطقه قومس، به‌ویژه دامغان، که زادگاهش بود، توجه بسیاری داشت و به سه برادر سمنانی به نام‌های ذوالفقارخان، اسماعیل خان و مطلب خان عنایت خاصی کرد و آنها را والی سه ولایت قومس گمارد. گسترش شهر شاهرود، ایجاد ساختمان مسجد شاه و کاروانسرای کنار آن و بازار عمومی شهر سمنان از آثار وی است.

در دوره مشروطه، در اثر ستم‌ها و بیدادگری‌های حکومت، مردم آزاده ایالت قومس به رهبری شادروان سید ابوطالب حسینی شریعت پناهی، عارف وارسته و دانشمند بزرگ این منطقه بر ضد حکومت خودکامه قاجار قیام کردند.



شکل ۵-۴. بازار سرپوشیده سمنان



درس ۱۱ دفاع از ایران اسلامی

در سال ۱۳۵۷ با خیزش و انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) رژیم ستم شاهی سرنگون شد و جمهوری اسلامی به همت مبارزان به ویژه شهدای گرانقدر پایه گذاری شد. مسئولین و مردم ایران بعد از رهایی از حکومت طاغوت در پی ساختن کشور بودند که دشمنان از هر سو به دنبال تضعیف و نابودی انقلاب اسلامی برآمدند. یکی از این توطئه ها تحریک و تشویق صدام رئیس جمهور وقت عراق برای حمله به ایران بود؛ رژیم بعثی عراق به نیابت از دشمنان انقلاب اسلامی، در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ جنگ را به ایران تحمیل کرد. ارتش بعث عراق آن چنان به پیروزی امید داشت که به استمداد ۱۲ لشکر و ۲۰ تیپ مستقل در سراسر مرز دو کشور وارد کشورمان شد. به دنبال تجاوز دشمن، ارتش، سپاه و نیروهای مردمی به فرمان حضرت امام خمینی (ره) به مقابله با آن پرداختند تا دشمن را سر جای خود بنشانند.

سپاه و بسیج در دفاع مقدس

به فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی نیروهای مردمی بعد از ثبت نام و آموزش های نظامی توسط سپاه به صورت داوطلبانه در قالب بسیج به کمک نیروهای ارتش و سپاه شتافتند. با ورود بسیج به صحنه ها تحولی عظیم در جبهه ها رخ داد. بسیجیان استان سمنان نیز مانند دیگر مردم کشور برای دفاع از اسلام و کشور از همان روزهای نخست تجاوز عازم جبهه های نبرد شدند؛ هر روز که از جنگ می گذشت، بر تعداد نفرات اعزامی اضافه می شد تا اینکه نیروهای بسیجی در قالب گروهان ها و گردان ها به جبهه اعزام شدند. در سال ۱۳۶۲ در قالب طرح لبیک یا خمینی بیش از ۲۵۰۰ نفر از استان عازم صحنه های نبرد شدند. در خرداد ماه ۱۳۶۵ با تشکیل تیپ مستقل ۱۲ قائم (عج) در استان شور و شوق عجیبی مردم و رزمندگان را فرا گرفت و به همت مسئولان و پشتیبانی همه جانبه مردم در مدت کوتاهی تیپ آماده مقابله با دشمن بعثی شد. سیل اعزام نیروهای رزمنده از استان سرازیر شدند تا با وحدت و اتحاد، خودآگاهی بالای خود را به اثبات برسانند به طوری که در شهریور ماه ۱۳۶۵ بزرگ ترین اعزام به استعداد بیش از ۳۰۰۰ نفر از استان اتفاق افتاد. یکی دیگر از نمونه های مهم اعزام رزمندگان استان در آخرین روزهای تیر ماه ۱۳۶۷ به دنبال پیام حضرت امام (ره) و عملیات منافقین در غرب ایران از درون خاک عراق از مسیر کرمانشاه به سمت تهران بود. در مدت سه روز بیش از ۱۷۰۰ نفر از استان به اردوگاه صادقیین اعزام شدند.



شکل ۴-۶- اعزام نیروهای مردمی از استان

روزنامه‌ها نوشتند: گروه کثیری از نیروهای تازه نفس رزمی طی یک اقدام سریع و فوق‌العاده از استان سمنان راهی جبهه‌های خون و شرف میهن اسلامی‌ان شدند.

نیروهای رزمنده سریعاً سازماندهی شده و در همان اولین شب اعزام در گردنه «چهار زبر» که بعدها به «تنگه مرصاد» معروف شد به مقابله با منافقین پرداختند و برگ زرین افتخار دیگری برای استان به ارمغان آوردند.

مقام معظم رهبری در سفر به استان سمنان در سال ۱۳۸۵ فرمودند:

«تیپ قائم (عج) در عملیات مرصاد مهم‌ترین نقش را ایفا کرد، شنیدم که نقش تیپ قائم (عج) در عملیات مرصاد آن‌چنان بود که اگر نبود، دشمن ممکن بود تا کرمانشاه پیش بیاید آنکه ایستاد تیپ قائم (عج) بود. اینها در تاریخ می‌ماند».

در مجموع، رزمندگان سپاه و بسیج استان به تعداد ۲۹۰۰۰ نفر در ۲۵ عملیات آفندی مهم و چندین منطقه پدافندی به دفاع از میهن اسلامی پرداختند و تعداد ۱۸۰۰ نفر از آنان به فیض شهادت نائل آمدند.

ارتش و لشکر ۵۸ ذوالفقار

پس از انقلاب اسلامی این یگان تشکیل و در دوران جنگ تحمیلی با حضور خود در بیش از ۱۱ عملیات آفندی حضور یافته و همچنین در خطوط پدافندی غرب و جنوب کشور نقش مهمی را ایفا کرد.

تقدیم بیش از ۱۷۰۰ شهید گرانقدر و تعداد کثیری جانباز و آزاده بیان کننده حماسه آفرینی این لشکر است همچنین تعداد ۴۵۰ نفر از نیروهای کادر و سربازان وظیفه استان که در یگان‌های مختلف ارتش بودند به فیض شهادت نائل آمدند. این یگان بعد از پایان جنگ تحمیلی در استان استقرار یافته است و مشغول انجام مأموریت‌های محوله است. یکی از رده‌های ارتش مستقر در ۴۰ کیلومتری شهر سمنان، پایگاه نیروی هوایی و مرکز آموزش هوایی است.

جهاد سازندگی

جهاد سازندگی یکی از نهادهایی که بعد از انقلاب اسلامی با هدف رسیدگی به روستاییان و آبادانی کشور تأسیس شد به دنبال تحمیل جنگ به کمک رزمندگان اسلام شتافت و وارد جبهه‌ها شد. از وظایف مهم جهاد انجام کارهای مهندسی بود.

جهاد استان در دوران دفاع مقدس علاوه بر خدمات به روستاها در پشت جبهه جنگ نیز با ۳ گردان مهندسی رزمی در جهت پشتیبانی از رزمندگان اقدامات زیر را انجام دادند:



شکل ۷-۴- پشتیبانی جهاد سازندگی از جبهه‌های نبرد حق علیه باطل

احداث خاکریز، نصب پل، احداث جاده، بازسازی روستاها و شهرهای آسیب دیده به ویژه احداث جاده استراتژیک در عملیات طریق القدس در منطقه بستان و جاده سید الشهداء (ع) در جزیره مجنون از موارد مهم آن است. همچنین مدیریت قرارگاه حمزه سید الشهداء (ع) بر عهده جهاد استان بوده است که پذیرای ۱۲۰۰۰ نفر از رزمندگان جهادی استان و ۱۳۰۰۰ نفر از سایر استان‌ها بوده است. در مجموع تعداد ۱۱۳ نفر از رزمندگان جهاد سازندگی در طول ۸ سال دفاع مقدس به شهادت رسیدند.

سایر سازمان‌ها

شهربانی، ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی که وظیفه اصلی آنها انجام خدمات در شهرها بوده است ولی با این وصف در طول ۸ سال دفاع مقدس در جبهه‌ها حضور یافته و با تقدیم ۱۱۶ شهید وظیفه ملی و دینی خود را انجام داده‌اند. سازمان‌ها، ادارات و مردم در دوران دفاع مقدس: سازمان‌ها و ادارات استان نیز هر کدام به نوبه خود نقش پشتیبانی عمومی و تخصصی خود را در جنگ ایفا کردند که در این کتاب امکان پرداختن به همه آنها نیست. سازمان‌هایی مانند جهاد سازندگی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و... در خصوص بازسازی مناطق جنگی شهرها و روستاهای خوزستان و ایلام، هم چنین اداره کل راه و ترابری استان نیز با احداث جاده در استان‌های جنگی نقش به‌سزایی در امر پشتیبانی عمومی از رزمندگان اسلام ایفا کردند. مردم استان نیز در پناه و اسکان دادن مردم شهرهای جنگ زده به ویژه در اوایل جنگ تحمیلی پیش قدم بوده‌اند.

گفتنی است استان سمنان در دو نقطه از استان (کاروانسرای لاسجرد و اردوگاه اسرای عراقی در جاده سمنان به دامغان) پذیرای اسرای عراقی بوده است. از نکات جالب این که بارها و بارها اسرای این اردوگاه‌ها برای حضور خود و جنگیدن علیه صدام با خون خود امضا کردند.

در این میان نقش مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و ستادهای نماز جمعه در خصوص تبلیغ برای حضور در جبهه و پشتیبانی اهمیت دارد. عموم مردم استان اعم از مرد و زن، جوان و پیر با پشتیبانی و حمایت خود از کشور و انقلاب دین خود را ادا کردند. در این بین، نقش دانش‌آموزان هم به واسطه حضور در جبهه و هم پشتیبانی از جنگ بارز و شاخص بوده است که نمونه آن ارسال



شکل ۸-۴- طرح قلک‌ها و جمع‌آوری و ارسال کمک‌های مردمی به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل

۸۵۰۰۰ قلک در ۴ ماه در سال ۱۳۶۵ برای جبهه‌ها بوده است. دانش‌آموزان با تقدیم ۶۳۰ شهید گرانقدر آگاهی و بصیرت خود را به جامعه نشان دادند.

جایگاه استان از نظر حضور در جبهه و ایثار و شهادت

جدول ۱-۴- مقایسه آماری سه استان اول کشور از نظر ایثارگری

ردیف	معیار مقایسه	اصفهان	قم	سمنان	کشور
۱	جمعیت	۳/۲۹۴/۹۱۶	۶۱۶/۹۶۳	۴۱۷/۰۳۵	۴۹/۴۴۵/۰۰۰
۲	آمار شهدا	۲۳/۹۶۵	۵/۵۳۵	۲۸۷۰	۲۳۱/۶۵۵
۳	یک نفر به ازای هر نفر	۱۳۷	۱۱۱	۱۴۵	۲۱۴
۴	اولویت نسبت به تعداد شهدا	۲	۱	۳	-
۵	آمار جانبازان	۴۴/۹۶۰	۱۰/۲۱۱	۷/۵۵۰	۴۵۳/۲۳۵
۶	یک نفر به ازای هر نفر	۷۳	۶۰	۵۵	۱۰۹
۷	اولویت نسبت به جانبازان	۳	۲	۱	-
۸	آمار آزادگان	۳/۴۸۵	۵۵۷	۲۵۸	۴۳/۷۸۸
۹	یک نفر به ازای هر نفر	۹۴۵	۱/۱۰۷	۱۶۱۶	۱/۱۲۹
۱۰	اولویت نسبت به آزادگان	۱	۲	۳	-



۷۲۸/۶۷۸	۱۰/۵۵۵	۱۶/۳۰۳	۷۲/۴۱۰	جمع کل ایثارگران	۱۱
۶۸	۳۹	۳۸	۴۵	یک نفر به ازای هر نفر	۱۲
-	۲	۱	۳	اولویت کل ایثارگران	۱۳

تفسیر

الف) تناسب آمار شهداء : استان قم به ازای هر ۱۱۱ نفر یک شهید، بالاترین رتبه و سپس استان اصفهان به ازای هر ۱۳۷ نفر یک نفر رتبه دوم و استان سمنان به ازای هر ۱۴۵ نفر رتبه سوم را داراست. در صورتی که در کشور به ازای هر ۲۱۴ نفر یک نفر به شهادت رسیده است.

ب) آمار جانبازان : استان سمنان به ازای هر ۵۵ نفر یک نفر جانباز، رتبه اول و استان قم به ازای هر ۶۰ نفر یک نفر، رتبه دوم و استان اصفهان به ازای هر ۷۳ نفر یک نفر جانباز تقدیم اسلام و کشور نموده است و این آمار در سطح کشور یک نفر به ازای ۱۰۹ نفر است.

پ) آزادگان : استان اصفهان به ازای هر ۹۴۵ نفر یک نفر آزاده رتبه اول و استان قم به ازای هر ۱۱۰۷ نفر یک نفر رتبه دوم و استان سمنان به ازای هر ۱۶۱۶ نفر یک نفر آزاده تقدیم نموده است و این آمار در سطح کشور به ازای هر ۱۱۲۹ نفر یک نفر بوده است.

جمع مجموع ایثارگران (شهدا - جانبازان - آزادگان) استان قم دارای رتبه اول و استان سمنان رتبه دوم و استان اصفهان دارای رتبه سوم می باشد.

نتیجه این که رده استان را بین اول تا سوم کشور با اختلاف بسیار زیاد میانگین از کشور.



شهید جابر عبدلویس
مسئول تبلیغات جبهه و جنگ جنوب کشور



شهید حاج محمود املانی
مسئول عملیات لشکر ۱۲ طی این ایستادگی (ع)



شهید حسن شوقانی
جانشین مسئول کل سپاه



شهید حاج مرادعلی شاکلو
فرمانده پشتیبانی جنگ جبهه گومار



شهید سید احمد ثوابی
فرمانده سپاه ناحیه نور



شهید سید حسن شاکلو
نماینده مجلس و نماینده امام فر روزنامه گیلان



شهید سید ابوالقاسم تالاب المومنی
نماینده مردم رازمیر



شهید قمر تالاب
مسئول مهندسی فرایگاه جبهه



شهید محمد ابراهیم حسینی
فرمانده توجیه پیکان



شهید سید کاظم کاشانی
جانشین اطلاعات کل سپاه



شهید حاج قاسم حسینی
مسئول مهندسی فرایگاه سپاه

شکل ۹-۴- تعدادی از شهدای والامقام و شاخص استان در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

پیشینه تاریخی استان



شکل ۱-۴- عکس و پیمان نامه سه تن از شهدای گرانقدر شهرستان مهدی شهر (شهید علی سراج، مجتبی سعیدی و احمد مختاری)

شهیدان سرافراز استان در بیش از ۲۴۰ گلزار آرمیده‌اند که مردم فهیم و شهید پرور استان چون پروانه دور این شمع‌ها می‌گردند و از فیض وجودشان بهره‌مند می‌شوند.

همچنین ۱۱۵ شهید سرافراز گمنام در ۲۵ مزار میهمان مردم شریف استان هستند. از ۲۹۰۰ شهید استان ۱۲ نفر فرمانده تیپ و بالاتر و ۳۴ نفر فرمانده گردان و ۱۸۰ نفر فرمانده گروهان بوده‌اند.

فعالیت



با توجه به شکل ۹-۴ در خصوص یکی از شهدای محل زندگی خود گزارشی تهیه و در کلاس ارائه کنید.



مشاهیر و فرهیختگان استان سمنان

در دوره معاصر همچون دوران پیشین، استان سمنان کانون بسیاری از بزرگان و فرهیختگان کشور بوده است. این دانشمندان و مشاهیر در زمینه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، هنری و... فعالیت می‌کردند. در زیر با برخی از این مشاهیر آشنا می‌شوید: بایزید بسطامی، شیخ ابوالحسن خرقانی، شیخ علاءالدوله سمنانی، ابن یمن فریومدی، میرزا ابوالحسن یغمایی، منوچهری دامغانی، حاج ملا علی سمنانی (حکیم الهی)، علامه حائری سمنانی مازندرانی، آیت‌الله حاج محمود حسینی شاهرودی، دکتر ذبیح الله صفا شهمیرزادی و آیت‌الله محمدرضا فیض سرخه‌ای.

بیشتر بدانیم



بایزید بسطامی: بایزید بسطامی ملقب به سلطان العارفين از جمله عرفای نامدار ایران است که در سال ۱۰۱ هجری قمری در خانواده‌ای مذهبی در بسطام دیده به جهان گشود. شخصیت وی چنان مورد توجه اهل دل و صاحبان قلم و اندیشه عرفانی بوده که از او به تعبیری مانند سلطان العارفين، برهان الموحدين، مراد السالکين، برهان المحققين، حجت الخلاق و مرشد السالکين یاد می‌شود.

از نوشته‌های منتسب به ایشان کتاب‌های النور و دستورالجمهور است. بایزید در سال ۱۸۰ هجری قمری از دنیا رفت. آرامگاه ایشان در شهر بسطام در جوار مرقد امام زاده محمد بن صادق (ع) است.



شکل ۱۱-۴- آرامگاه عارف بزرگ بایزید بسطامی، بسطام در شهرستان شاهرود

شیخ ابوالحسن خرقانی: شیخ ابوالحسن خرقانی از عرفای بزرگ در سال ۳۵۲ هجری قمری در روستای خرقان بسطام دیده به جهان گشود. پدر وی کشاورز بود. در آغاز زندگی به تحصیل علوم دینی پرداخت و در حین

تحصیل، به تزکیه نفس اهتمام ورزید و با مجاهدت به مقام‌های شایانی دست یافت. از جمله رسالاتی که به ایشان منسوب است، نورالعلوم است. این عارف بزرگ در سال ۴۲۵ هجری قمری در هفتاد و سه سالگی در روستای خرقان بسطام دیده از جهان فرو بست.



شکل ۱۲-۴- آرامگاه عارف نامی شیخ ابوالحسن خرقانی روستای خرقان در شهرستان شاهرود

شیخ علاءالدوله سمنانی: شیخ رکن الدین ابوالمکارم احمد بن محمد بن احمد سمنانی بیابانکی ملقب به علاءالدوله عارف نامی و مشهور ایران در سال ۶۵۹ هجری قمری در روستای بیابانک سرخه متولد شد. وی پس از فراگیری علوم چون فقه و حدیث در ۱۵ سالگی به خدمت ارغون از خوانین مغول رسید و تا ۱۰ سال ملازمت و خدمت وی کرد تا اینکه در سال ۶۸۳ هجری به جاذبه‌ای از جذبات حق دست یافت و به توبه و عبادت و ریاضت پرداخت و به تکمیل تحصیلات علوم ادبی، فقه و حدیث مشغول شد و مراحل سیر و سلوک را طی کرد. شیخ علاوه بر تربیت شاگردان و عرفای نامدار به تألیف و تصنیف قریب به ۶۲ اثر وزین در زمینه عرفان، فقه، ادب، تفسیر و حدیث به زبان فارسی و عربی پرداخت. نحوه تقسیم آب شهر سمنان از جمله ابداعات ایشان بوده است. سرانجام در سال ۷۳۶ هجری قمری در روستای صوفی آباد سرخه دیده از جهان فرو بست.

ابن یمین فریومدی: ابن یمین فریومدی از مفاخر و رجال فرهنگی و ادبی دیار قومس در سال ۶۸۵ در روستای فرومد شهرستان میامی دیده به جهان گشود. ابن یمین شاعری با ایمان و آگاه به فرهنگ اسلامی و سرمست از فیض الهی بوده است. در میان قطعه سرایان ادبی، ابن یمین در انواع فنون شعری و قطعه سرایی صاحب نظر بوده و بیشتر شعرهای او جنبه هدایت و ارشاد داشته است. از ابن یمین ۵۴ نسخه خطی دیوان اشعار شناسایی شده است. ایشان در سال ۷۶۹ هجری قمری از دنیا رفت و در زادگاهش روستای فرومد مدفون گشت.

حاج ملا علی سمنانی (حکیم الهی): حاج ملا علی سمنانی از علمای متبحر و حکمای بزرگ در سال ۱۲۵۳ هجری قمری در سمنان متولد شد. ایشان پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی جهت تکمیل دروس به شهرهای



کربلا، نجف، تهران و اصفهان رفته و از محضر علمای مشهور کسب فیض کرد. پس از طی مدارج عالی علمی به زادگاه خویش مراجعت کردند و با تدریس و برگزاری مراسم نماز جماعت و جمعه مردم را هدایت می کردند. ایشان به لحاظ ساده زیستی و زهد و تقوا در میان عامه مردم جایگاه ویژه ای داشت و در علم و حکمت سرآمد روزگار خویش بود. در حکمت، نجوم، در علوم الهی و مسائل اجتماعی نظریه های بسیار روشنی را ابراز می کرد. این حکیم فرزانه ۲۵ اثر داشته که در پی وقوع سیل از بین رفته است. در سال ۱۳۳۳ هجری قمری در سمنان رحلت کرد. آرامگاه او در ضلع غربی میدان امام خمینی (ره) سمنان واقع شده است.



شکل ۱۳-۴- آرامگاه حاج ملا علی حکیم الهی در شهر سمنان

آیت الله العظمی شاهرودی : حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی از مراجع عالیقدر جهان تشیع در سال ۱۲۹۳ هجری قمری در قلعه آقا عبدالله از توابع شهر بسطام دیده به جهان گشود. دروس مقدماتی را در بسطام فرا گرفت و سپس به مشهد مقدس عزیمت کرده و پس از کسب فیض از محضر استادان آن دیار در سن ۴۰ سالگی به نجف اشرف رهسپار شدند. ایشان در انجام فعالیت های عالم المنفعه چون ساختن بیمارستان و مدارس دینی در نجف نقش به سزایی داشتند. همچنین در جریان های سیاسی کشور مانند قیام ۱۵ خرداد و دستگیری امام خمینی (ره) عکس العمل نشان دادند و با ارسال پیام هایی با مردم ایران اظهار همدردی کردند. آیت الله شاهرودی با ۲۶ اثر در سال ۱۳۹۴ هجری قمری در نجف دعوت حق را لبیک گفتند.

میرزا ابوالحسن یغمایی : میرزا ابوالحسن یغما متخلص به یغمای جندقی یکی از برجسته ترین شاعران و غزل سرایان ایران در عصر قاجار است. وی فرزند ابراهیم قلی، در سال ۱۱۹۶ هجری قمری در روستای خور دیده به جهان گشود.

یغما در عمر نسبتاً دراز خود جز سمنان، قم، کاشان، تهران، هرات، یزد، اصفهان، مشهد و چند شهر دیگر نیز سفر کرد و به اقامت در کاشان بیش از ماندن در دیگر شهرها مایل بود. میرزا ابوالحسن یغما پس از چند سال اقامت در

پایتخت از ماندن در این شهر سیر و دلگیر شد و به سمنان رفت؛ در آنجا خانه‌ای خرید و بر این نیت بود که بقیه عمرش را در این شهر که در دوران جوانی، تلخی‌ها و شیرینی‌ها چشیده بود و خاطره‌ها داشت بگذراند، اما پس از مدتی اقامت به اصرار پسر بزرگش به خور بازگشت. یغما به نوشتن و نگه داشتن اشعار خود سخت بی‌اعتنا بود و رغبتی به ماندن اشعارش نداشت. او شیعه‌ای پاک اعتقاد بود، خاصه به امام سوم حضرت امام حسین (ع) عقیده صافی داشت، از این رو بیشتر دارایی خود را وقف عزاداری بر این امام کرد.

یغما در سال ۱۲۷۶ هجری قمری در ۸۰ سالگی درگذشت و در بقعه امام زاده سید داوود واقع در خور به خاک سپرده شد.

منوچهری دامغانی: منوچهری دامغانی در اواخر قرن چهارم یا سال‌های نخستین قرن پنجم در شهر دامغان دیده به جهان گشود.

این شاعر طبیعت‌سرا و تیزهوش به زبان‌های فارسی و عربی تسلط داشته و از شعرای عرب نیز در اشعار خود تأثیر پذیرفت. این شاعر پرآوازه ادبیات ایران در سال ۴۳۲ هجری قمری از دنیا رفت.



شکل ۱۴-۴- شهید حجت‌الاسلام سید کاظم موسوی

شهید حجت‌الاسلام سید کاظم موسوی:

سید کاظم موسوی فرزند میرزا موسی در سال ۱۳۱۴ در شهر میامی به دنیا آمد. ایشان در یک خاندان اصیل، مردمی و اسلامی تربیت شد، آموزش دید و به مقام انسانی رسید.

شش ساله بود به مکتب رفت و در سیزده سالگی برای ادامه تحصیل به مشهد رفت و وارد حوزه علمیه مشهد شد.

حجت‌الاسلام سید کاظم موسوی در سال ۱۳۴۲ به تهران رفت و در دانشکده الهیات و معارف اسلامی به ادامه تحصیل پرداخت و در رشته زبان و ادبیات فارسی و عربی فوق لیسانس گرفت.

ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان نماینده امام خمینی (ره) در وزارت آموزش و پرورش

منصوب شدند و در زمان تصدی شهید رجایی، مشاور عالی وزارتخانه بودند. آخرین سمت اداری ایشان معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش بودند. حجت‌الاسلام سید کاظم موسوی به همراه حضرت آیت‌الله شهید دکتر بهشتی در یوم‌الله هفتم تیر ۱۳۶۰ به درجه رفیع شهادت نایل آمدند.



برای مطالعه

جدول ۲-۴- برخی از مشاهیر و مفاخر فرهنگی، مذهبی و ... استان سمنان

نام مشاهیر و مفاخر	سال تولد	محل تولد	تحصیلات و مدارج علمی	تاریخ وفات	محل دفن
میرزا عباس بسطامی (فروغی بسطامی)	۱۲۱۳ ه.ق	کربلا، سکونت بسطام	شاعر	۱۲۷۴	تهران
سید اشرف جهانگیر سمنانی	۶۸۸ ه.ق	سمنان	عارف بزرگ	۸۰۸ ه.ق	هند
آیت الله عباسعلی شاهرودی	۱۳۲۰ ه.ق	روستای ابرسیج، شهرستان شاهرود	اجتهاد	۱۳۸۳ ه.ق	قم
آیت الله ملا عباسعلی ارسطو	۱۲۲۸ ه.ق	شهرستان سرخه	اجتهاد	۱۳۲۰ ه.ق	سرخه
آیت الله محمد رضا فیض سرخه‌ای	۱۲۹۹ ه.ق	شهرستان سرخه	اجتهاد	۱۳۸۰ ه.ق	سمنان
آیت الله مهدوی دامغانی	۱۲۷۸ ه.ش	دامغان	اجتهاد	۱۴۰۱ ه.ق	حرم امام رضا(ع)
محمد صادق رفعت سمنانی	۱۲۶۱ ه.ش	سمنان	شاعر	۱۳۱۰ ه.ش	شهر ری
دکتر ابوالفضل قاضی شریعت پناهی	۱۳۱۰ ه.ش	سمنان	دکترای حقوق	۱۳۷۷ ه.ش	تهران
محمد باقر بن محمد تقی بن میرزا عبدالرحیم ایوانکی	۱۲۳۴ ه.ق	ایوانکی	عالم روحانی	۱۳۰۱ ه.ق	نخت فولاد اصفهان
آیت الله محمد علی عالمی	۱۳۰۶ ه.ش	روستای حجاجی دامغان	اجتهاد	۱۳۷۸ ه.ش	سمنان
آیت الله حاج میرزا احمد زیارتی	۱۲۸۰ ه.ش	مهدی شهر	اجتهاد	۱۳۵۹ ه.ش	مهدی شهر
نوش آذر اسدی	۱۳۱۱ ه.ش	روستای کهک شهرستان گرمسار	نویسنده	۱۳۸۲ ه.ش	تهران
دکتر حسین کردوانی	۱۳۱۴ ه.ش	شهرستان گرمسار (روستای مندولک)	پزشک	۱۳۷۸ ه.ش	تهران

فعالیت



از زندگی نامه و آثار یکی از شخصیت‌های محل زندگی خود گزارشی تهیه و در کلاس ارائه کنید.